

«گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و اسلامی» راهی به سوی اعتدال و صلح در نظام بین‌الملل (ضرورت‌ها، فرصت‌ها، و راه‌کارها)

طیبه امیریان*

فرامرز میرزایی**

چکیده

«گفت‌وگوی تمدن‌ها»، به‌منزله طرح اعتدالی و تفسیرکننده روابط بین‌الملل، بیان‌گر نقش مهم ارتباط میان ملت‌ها در تداوم تمدن‌ها و ترسیم آینده‌ای شکوفا در پیش‌برد اهداف صلح‌آمیز است. پیش‌نیاز فرایند گفت‌وگوی حقیقی تمدن‌ها شناسایی ظرفیت‌های تمدن‌ها، احترام دوسویه، پذیرش جایگاه صاحبان آن‌ها، ویژگی‌های اصیل تمدنی آن‌ها، و گفت‌وگو از موضعی برابر است. بدیهی است که عرصه فرهنگ، با لایه‌های متعدد در تمدن‌های بزرگ، یکی از حوزه‌های عالی گفت‌وگو در پیش‌برد اعتدال و صلح جهانی است. دو تمدن بزرگ ایرانی و عربی، که دو شاخه تنومند تمدن اسلامی قلمداد می‌شوند، با پیشینه عظیم تاریخی و ظرفیت‌های فرهنگی پویایی که در آن‌ها جریان دارد، طبعاً با تعامل و هم‌گرایی فرهنگی و بهره‌مندی از مواضع و اهداف فرهنگی مشترک و از میان‌برداشتن موانع ذهنی تاریخی و چالش‌های فرهنگی مانند جریان افراطی‌گری، نفوذ و رشد فرهنگ‌های غلط غربی، تفرقه‌افکنی‌های قومی-مذهبی، افزایش برخی واگرایی‌هایی فرهنگی در جهت اعتدال فکری و فرهنگی در منطقه خاورمیانه و جهان، از مسیر دستیابی به سطح بالاتری از مدیریت روابط و گفت‌وگوهای تمدنی و همکاری‌های فرهنگی، می‌توانند اقدامات مشترکی انجام دهند، که می‌توان

* دکترای زبان و ادبیات عربی و محقق و پژوهش‌گر زبان و ادبیات عربی، taebhamiryan@yahoo.com

** استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، faramazmirzaei@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

آن را «گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و اسلامی» نام نهاد. اجرایی کردن گفت‌وگوی فرهنگی کارساز با به‌کارگیری سیاست‌های اعتدال‌گرایانه، مانند تشکیل کمیته‌های فرهنگی مشترک چندجانبه و طرح‌ریزی نقشه فرهنگی با اهداف و ارزش‌های مشترک از مجموع کشورهای عربی و ایران و بازتاب آن در عرصه جهانی، تحقق می‌یابد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که، با توجه به شناخت ضرورت گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و عربی - اسلامی، با چه روش‌هایی تعامل میان این دو تمدن افزایش می‌یابد. از جمله راه‌های تعامل می‌توان به هم‌افزایی فرهنگی، ترویج فرهنگ خودباوری، و استفاده از امکانات فرهنگی اشاره کرد. این مقاله سعی دارد با برشمردن فرصت‌های یک‌سان و کاربست راه‌کارهای فرهنگی در جهت سامان و بلوغ جامعه‌ای امیدوار با گسترش صلح، اعتدال، و دوستی در جهان گامی بردارد.

کلیدواژه‌ها: اعتدال، تمدن ایرانی، تمدن عربی - اسلامی، فرهنگ، گفت‌وگوی تمدن‌ها.

۱. مقدمه

نظریه «گفت‌وگوی تمدن‌ها» (dialogue among civilizations) در برابر ایده «برخورد تمدن‌ها» (the clash of civilizations) ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington)، که در آن از جنگ بین دو تمدن اسلام و غرب سخن می‌گفت، مطرح شد و پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سیاست‌های جنگ‌افروزانه ایالات متحده آمریکا، که طبل دشمنی با ملت‌های مسلمان را در دنیا می‌نواخت، قدرت و شدت گرفت.

راه‌کار گفت‌وگو جدیدترین الگوی قابل حصول علمی و فکری بشر در برقراری روابط بین‌المللی تمدن‌ها بر پایه اعتدال اجتماعی، میانه‌روی، صلح، اخلاق، و دوستی ملت‌هاست، که در دوران کنونی ظهور یافته است. این راه‌کار مسالمت‌آمیز برای تبیین و توسعه ماهیت خود از قاعده گفت‌وگوی هدفمند پیروی می‌کند که اساس آن در به‌رسمیت‌شناختن همه هویت‌های فرهنگی، احترام به خواسته‌های یک‌دیگر، پاس‌داشت تنوع فرهنگی تمدن‌ها در پرتو حمایت از جایگاه صاحبان آن‌ها، افزایش پیوندها و تعاملات فرهنگی متقابل با زبان تفاهمی مبتنی بر عدالت در فضایی مطمئن و معتمد است و سرانجام تفاهم دوسویه، شناخت دقیق از ظرفیت‌های فرهنگی تمدن‌های گوناگون، تقویت فضای صداقت، تساهل، صلح، و امنیت جهانی را، که مانع برخورد تمدن‌ها می‌شود، تضمین می‌کند؛ زیرا اساس

گفت‌وگوی تمدن‌ها بر این فرض استوار است که باید جامعه جهانی را به سوی پلورالیسم (pluralism) فرهنگی سوق داد و برای دیگر فرهنگ‌ها مجال حضور در عرصه جهانی را فراهم کرد (حسینی، ۱۳۸۰: ۸)، تا ارزش‌های هم‌زیستی و تفاهم، دیپلماسی موازی، و صلح فراگیر انسانی بر پایه عدالت، حقیقت، و فضیلت تحقق یابد (التویجری، ۲۰۰۹: ۸). گفت‌وگو می‌تواند مقدمه تحقق این امر برای ملت‌ها و فرهنگ‌ها باشد که با بهره‌گیری از آن در حکم ابزار شناخت و نیز استفاده از رهیافت نقادانه و عقلانی درباره باورهای خود مسیر دست‌یابی به درک بهتر را پیمایند (Searle, 1999: 88-99). با این حال، گفت‌وگوی تمدن‌ها در چیستی و ماهیت خود در هریک از عرصه‌های امور بشری شامل دین، مذهب، سیاست، حکومت، اقتصاد، و فرهنگ به تفاهم و تعامل با همه ملت‌های دنیا به جای نبرد و خونریزی می‌پردازد و چشم‌انداز نوینی را، به‌منظور رسیدن به نظم جهانی، صلح پایدار، و سیاست «تنش‌زدایی» (détente)، طرح‌ریزی می‌کند.

در حقیقت ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها از سرزمین و تمدن سترگ فرهنگ‌پرور و اندیشه‌مدار ایرانی چهره نموده است. سرزمینی که پس از پذیرش اسلام از همان قرن‌های آغازین در گسترش و بسط تمدن بزرگ اسلامی در سرزمین‌های عربی و بخش شرقی جهان نقش کارساز و پررنگی داشته است و بنا به گفته محققان کارکرد ایران در آن زمان به‌گونه‌ای بوده که «حتی پیش از فرانسه، توانسته بدون واسطه امپریالیسم آن‌چه را اقوام دیگر "فضای حیاتی" می‌خوانند، در شرق و غرب پدید آورد» (ماسینیون، ۱۳۹۲: ۳۳)؛ زیرا «پیوسته روشن‌فکران نخبه ایرانی خودشان را وقف اسلام و زبان عربی کردند و به شکل گرفتن تمدن در جهان اسلام کمک نمودند به‌گونه‌ای که گفته می‌شود ایرانیان سلسله‌جنبان توسعه تمدن اسلامی بودند» (Yarshater, 1999: 91)؛ البته «این خود گواهی بر خصلت انطباق‌پذیری تفکر ایرانی است، که درون‌مایه‌های فرهنگی عرب را، که بدان صبغه‌ای شخصی افزوده شده، با خود به فراتر از مرزهای شناخته‌شده برده است» (ماسینیون، ۱۳۹۲: ۳۴) و بخش دیگری از این موفقیت‌ها هم به «قدرت پذیرش و همگون‌سازی منحصر به فرد فرهنگ عربی و نیز توان تحمل نسبی آن به پشتوانه اسلام در تمام نموده‌های فرهنگی» (جمشیدیها، ۱۳۸۷: ۲۱۹) در برخورد با دستاوردهای تمدن‌های گوناگون برمی‌گردد.

در دانش‌های شناخت فرهنگ و تمدن نباید این اصل را فراموش کرد که بخشی از شکوفایی و بلوغ تمدن‌ها در ارتباط‌های عادلانه و دادوستدهای مسالمت‌آمیز فرهنگی شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؛ زیرا متفکران فرهنگی جهان امروز بر این باورند که «عرصه

فرهنگ با لایه‌های مختلف نیازمند یک‌دیگرند و نغمه خوش باهم‌بودن و هم‌راه‌شدن را نواخته‌اند و بالاتر از یک تز و نظریه صرف به صورت علمی به تعامل نیازمند هستند» (رضوی‌راد، ۱۳۸۲: ۴۶)؛ همان‌طور که «این اصل در ارتباط با هویت تمدن ایرانی که متشکل از میراث «فرهنگ ایران باستان»، «فرهنگ اسلامی»، و «مدرنیته» با درجه‌های گوناگون است» (مفتخری، ۱۳۹۲: ۹۵) دلالت می‌کند. مجموع این عوامل طی قرن‌های متمادی سبب شده است تمدن غنی اسلامی با امکانات مادی و معنوی و جذب سنت‌های فرهنگی بسیاری از تمدن ایرانی و عربی - اسلامی در منطقه جنوب غربی آسیا شکل بگیرد و پیوسته تأثیر انکارناپذیری بر تمدن‌های شرق و غرب بگذارد.

ویژگی ترکیب‌گری و قدرت جذب تمدن اسلامی زمینه‌های رشد و پویایی آن را از گذشته‌های دور پیوسته فراهم کرده است؛ اما در گذر تاریخ برخی عوامل درونی و بیرونی به توقف و رکود آن و تفرقه ملت‌های مسلمان منجر شده است.

در دوران معاصر دلایل خارجی رکود تمدن اسلامی را در پدیده‌هایی هم‌چون تهاجم فرهنگی غرب و تحقیر فرهنگ کشورهای اسلامی، به چالش‌های سیاسی انداختن دولت‌های اسلامی، حملات نظامی بی‌وقفه استعمارگران غربی، و ترویج خشونت به طرق گوناگون در منطقه خاورمیانه (جایگاه اصلی رشد تمدن اسلامی) و دلایل داخلی را در مواردی چون اهمال دست‌اندرکاران فرهنگی در سرزمین‌های اسلامی و دامن‌زدن به اختلافات و تنش‌های کشورهای اسلامی می‌توان خلاصه کرد. بنابراین باید صاحبان قدرت در دولت‌های اسلامی راه‌حلی صلح‌طلبانه و به‌دور از فضای خصمانه برای برون‌رفت از معضل‌های کنونی پیش‌نهاد و اجرا کنند و در پی ارتقای نظام فرهنگی‌شان باشند.

اما آنچه انتظار می‌رود این است که در دوران معاصر احیاگران، اصلاح‌طلبان، و نخبگان جهان اسلام با ارزیابی‌ای واقع‌بینانه از ماهیت غرب، اوضاع نامناسب کشورهای خاورمیانه و جهان اسلام، و تنش‌ها و جنگ‌های بی‌پایان، خواسته یا ناخواسته، باید به این موضوع بیندیشند که به غیر از برخورد نظامی راه برون‌رفت از خشونت‌طلبی‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، و فتنه‌های فکری و فرهنگی غرب و بازگشت به اقتدار تمدنی و اتحاد گذشته برای کشورهای اسلامی چیست؟ و آیا بستر گفت‌وگوی فرهنگی می‌تواند مسیری برای رسیدن به اعتدال، میانه‌روی، و وحدت جهان اسلام در دنیای مدرن باشد؟ همان‌طور که سیدجمال‌الدین اسدآبادی برجسته‌ترین چهره سیاسی و روشن‌فکر در دوران معاصر منادی بیداری اسلامی و اتحاد مسلمانان در جهان بود و «نظرات بسیار برجسته‌ای در خصوص اتحاد، بیداری مسلمانان، و مبارزه با استعمار در قالب تفکری نهضت‌پان‌اسلامیسم (Pan-Islamisme)

بیان کرد» (اقبال، ۱۳۷۶: ۴۱۳) در این زمینه هم این انتظار می‌رود که متفکران عرصه فرهنگ و تمدن و دست‌اندرکاران فرهنگی دو تمدن عظیم و کهن ایرانی و عربی - اسلامی با پشتوانه آیین اسلام و قرآن کریم، نزدیکی جغرافیایی و داشتن مرزهای مشترک و جریان‌های تاریخی، پیوندهای گوناگون و عمیق ادبی، و تأثیرهای فکری و فرهنگی دائم به گفت‌وگو بشینند و با شروع هم‌افزایی فرهنگی (synergy of culture) مؤثر در برقراری صلح و اعتدال بین‌المللی در جهان اسلام زمینه‌های تجدید حیات تمدن اسلامی را در خاورمیانه و سپس جهان فراهم آورند.

۲. سؤالات، اهداف، و فرضیات پژوهش

در ادامه مطالب گفته‌شده در مقدمه، در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سؤالات‌ایم:

- ضرورت‌های گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و تمدن عربی - اسلامی چیست؟

- فرصت‌های گفت‌وگوی فرهنگی با چه شگردهایی در تعاطی بین تمدن ایرانی و

تمدن عربی - اسلامی ظهور خواهد کرد؟

- در پرتو گفت‌وگوی فرهنگی چه افق امیدوارکننده‌ای برای دو تمدن ایرانی و عربی -

اسلامی پدید خواهد آمد؟

این جستار با روش توصیفی - تحلیلی با بیان ضرورت‌ها و فرصت‌ها درصدد رسیدن به پاسخ و ارائه راه‌حلی‌هایی زیر سایه دیپلماسی فرهنگی، به‌منظور توسعه گفت‌وگوی فرهنگی بین دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی، است. باید اعتراف کرد که این پرسش‌ها در یک نقطه مشترک‌اند و آن این‌که از قابلیت‌های آشکار و پنهان در برقراری اعتدال و صلح منطقه‌ای و جهانی در افق احیا و گسترش اندیشه‌ها و توانایی‌های فرهنگی تمدن‌های ایرانی و عربی - اسلامی حکایت دارند؛ زیرا به‌نظر می‌رسد گفتمان و تفاهم فرهنگی بهترین فرصت برای هم‌افزایی آرا و مناسب‌ترین مقیاس برای سنجش میزان توجه و علاقه‌مندی ملت‌ها به دادوستد و هم‌راهی فرهنگی در میان تمدن‌ها در عرصه روابط بین‌الملل است که به سیاست خارجی هم مربوط می‌شود؛ اگرچه بنا به اعتقاد محققان «مباحث فرهنگی در قلمرو سیاست سفلی قرار می‌گیرند که از حوزه سیاست والا متفاوت و متمایز است» (هاشمی، ۱۳۷۸: ۲۱۷).

بدین ترتیب، فرضیاتی که این مقاله در پی اثبات و رد آن‌ها برمی‌آید از این قرار است

که هم‌گرایی و تقویت اشتراکات فرهنگی میان ایران و ۲۳ کشور عربی در قالب ایجاد طرح

تداومی گفت‌وگوی فرهنگی نقش ثمربخش و کارسازی در برقراری و ثبات صلح، امنیت، دوستی، و ارتباطات غیرمتعصبانه نخست در خاورمیانه و بعد در جهان خواهد داشت.

۳. پیشینه پژوهش

در حوزه پژوهش‌های انجام‌شده پیشین درباره تأثیر گفت‌وگوی فرهنگی تمدن‌ها در گسترش اعتدال و صلح می‌توان گفت جمع‌کنندگی از محققان به بررسی، پژوهش، و نظریه‌پردازی درباره اهمیت موضوعات گفت‌وگوهای تمدنی، دیپلماسی فرهنگی، و یا گفتمان «صلح‌سازی» (peace-building) پرداخته‌اند.

از جمله پژوهش‌های داخلی مقاله «درباره سیاست گفت‌وگوی فرهنگی» نوشته احمد مسجدجامعی (۱۳۸۱) است، که در آن به‌کارگیری روش گفت‌وگو را، طبق پتانسیل‌های فرهنگی میان ملت‌ها، به‌منزله راهی مناسب برای پیش‌برد اهداف صلح‌آمیز پیش‌نهاد می‌کند. دیگری مقاله علی‌باقر طاهری‌نیا با عنوان «نقش شاعران ایرانی عربی‌سرا در گفت‌وگوی میان تمدن‌های ایران و عرب» (۱۳۸۲) است. در این مقاله نویسنده بر این باور است که زبان شعر شعرای ایرانی نقش مهمی در تبادل و گفت‌وگوی ادبی، فرهنگی، و تاریخی با عرب‌ها داشته است. مقاله دیگر «دوجوانی شدن‌ها و ارتباطات بین تمدنی: تحلیل روشمند ارتباط فرهنگی در جهان» نوشته سعیدرضا عاملی (۱۳۸۹) است. نگارنده در این مقاله، با اشاره به موضوع جهانی شدن، معتقد است گفت‌وگوی بین فرهنگی و بین تمدنی در دوران مدرن تعریف متفاوتی می‌یابد. دیگر مقاله «بایدها و ضرورت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فلسطین» نوشته حسین کبریائی‌زاده (۱۳۹۱) است که در آن فرایند دیپلماسی فرهنگی را عامل نزدیکی قلوب ملت ایران و فلسطین معرفی می‌کند. مقاله دیگر «فرهنگ و رویه سازگاری‌جویی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مقایسه متن‌پژوهانه دوره‌های جنگ و اصلاحات)» از احمد فاطمی‌نژاد (۱۳۹۴) است که با بررسی نقش فرهنگ در رویه سازگاری‌جویی در سیاست خارجی معتقد است در دوره جنگ از انسان‌گرایی فرهنگی مبتنی بر سیاست «لجوجانه» و در دوره اصلاحات از انسان‌شناسی فرهنگی با سیاست «محافظه‌کارانه» پیروی شده است.

در میان پژوهش‌های خارجی می‌توان به مقاله «Peace and Culture: Fostering Peace through Cultural Contributions» (پرورش صلح از طریق ابتکار عمل‌های فرهنگی) نوشته کیکی فوکوشیما (Kiki Fukushima, 2011) اشاره کرد که نویسنده به نقش برجسته

سیاست گفت‌وگوی فرهنگی در پایان‌دادن به جنگ‌ها، برقراری صلح، و ادامهٔ روند صلح‌سازی در دنیا اشاره می‌کند.

بررسی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده گواه آن است که گرچه برخی پژوهش‌گران به بررسی جایگاه سیاست گفت‌وگوی فرهنگی میان ایران و ملت‌های دیگر پرداخته‌اند، اما ادعای جستار پیش‌رو ارائهٔ روش‌هایی مبتنی بر گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی با تمدن عربی - اسلامی است، هم‌چنین فراهم کردن اوضاعی برای برقراری صلح و سازش و تشنج‌زدایی با کمک گفت‌وگوی فرهنگی دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی که بر جهانی‌سازی از خشونت و سرشار از دوستی و تفاهم تأکید می‌کند. همین امر باعث نوآوری این پژوهش شده و آن را از مطالعات پیشین متمایز کرده است. بر همین اساس، در ادامهٔ طرح گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و تمدن عربی - اسلامی در جهت اعتدال، نخست به تبیین ضرورت و اهمیت، سپس به شرح فرصت‌های فرهنگی مؤثر، و بعد از آن به ترتیب به شرح روش‌های تعامل فرهنگی در تفاهم فرهنگی صلح‌ساز می‌پردازیم.

۴. ضرورت و اهمیت هم‌افزایی فرهنگی بین ایران و کشورهای عربی

تقریباً از سال‌های آخر قرن بیستم تا به امروز با توجه به اوضاع خاص و ناآرامی‌های منطقهٔ خاورمیانه، «نقطهٔ تلاقی منابع قدرت‌ها» (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۱) و مرکز حضور عمدهٔ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، ارتباط و گفت‌وگوی فرهنگی آن هم از سوی ایران با کشورهای منطقه به صورت ضرورتی انکارناپذیر خودنمایی می‌کند؛ بنابراین باید با چیدمان طرح‌های ضروری و برنامه‌های مناسب برای گستراندن فرهنگ و تمدن اسلامی بر اهداف مختلف دشمنان از جمله طرح «فرهنگ‌سازی» (cultural-making) غرب پیشی گرفت. جمهوری اسلامی ایران در برنامهٔ سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، در رویکردی با عنوان «تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل»، به منطقهٔ خاورمیانه در جایگاه حوزهٔ ارتباطی مهم تأکید کرده است، که از آن می‌توان به هم‌افزایی فرهنگی میان ملت‌ها یاد کرد. بدین منظور، تقویت سیاست‌های فرهنگی از جمله فراهم آوردن زمینه‌هایی برای هم‌افزایی فرهنگی میان تمدن ایرانی و عربی - اسلامی از برجسته‌ترین شاخص‌ها و ویژگی‌های گفت‌وگوی فرهنگی تمدن‌ها به‌شمار می‌آید که این امر از ره‌گذر افزایش همکاری‌های فرهنگی و تداوم رقابت‌های مفید و سازنده حاصل می‌شود و سرانجام موجبات شناخت دوجانبه را میان صاحبان فرهنگ‌ها پدید می‌آورد. طبیعتاً این هم‌افزایی فرهنگی از راه تبادل و درک

مشابهت‌های فرهنگی، از خرد تا کلان، و پذیرش و مدیریت آن‌ها در برنامه‌ای زمانی صورت می‌گیرد.

در این جا ضمن اشاره به دلایل و ضرورت‌های فرهنگی و توجه به گفتمان فرهنگی بین ایران و کشورهای عربی اجمالاً به مواردی از این ضرورت‌های هم‌افزایی فرهنگی اشاره می‌کنیم.

۱.۴ تهدیدات بیرونی و نبود امنیت فرهنگی

چالش‌های کنونی ملت‌های خاورمیانه، از حوادث سیاسی و تهدیدات نظامی گرفته تا اختلافات دینی، که سالیان متمادی است مردمان این منطقه را درگیر خود کرده است، همگی از مجموعه طرح‌های سلطه‌گری از پیش طراحی شده بیگانگان است که گام‌به‌گام و با مقدمه‌چینی به این نقطه از جهان وارد کرده‌اند و همگی تهدیداتی جدی برای امنیت فرهنگی سرزمین‌های این منطقه محسوب می‌شوند؛ زیرا این چالش‌ها بیش‌تر از هر زمینه دیگری در حوزه فرهنگ (زبان، فرهنگ، آداب و رسوم دینی و اجتماعی، و الگوهای زندگی) تأثیر خواهند داشت و با تحولات فرهنگی حجم درخور توجهی از دگرگونی‌ها در حوزه‌های دیگر پدیدار خواهد شد و نیز «هویت فرهنگی ملی در هر کشور بخش مهمی از بنیادها و ساختارهای حکومت را تشکیل می‌دهد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

از مهم‌ترین طرح‌های تهدیدی غرب در خاورمیانه می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد: حضور و رشد جریان‌های فکری افراطی و تروریستی مانند گروه القاعده، داعش، جبهه النصره، جیش الفتح، و دیگر جریان‌های تکفیری وابسته به آن‌ها؛ تفرقه‌افکنی‌های قومی و مذهبی کردها و شیعیان و سنی‌های عربستان، سوریه، لبنان، و عراق؛ تحریک تعارض‌های ایدئولوژیکی مانند پدیدآمدن پان عربیسم (pan-Arabism)، پان ترکیسم (pan-Turkism)، و پان ایرانیسم (pan-Iranism) در مقابل پان اسلامیسم؛ گسترش فرهنگ واگرایی درباره دین؛ حضور و توسعه فرهنگ‌های غلط غربی در قالب «جنگ نرم» (soft war) و «قدرت نرم» (soft power)؛ ستیز با اسلام سیاسی - فرهنگی با طرح نقشه مبارزه با تروریسم و رادیکالیسم به صورت حضور نظامی مسلحانه در منطقه؛ و گسترش سکولاریسم، که همگی از جمله چالش‌های مشترک کشورهای منطقه است که امنیت فرهنگی این سرزمین‌ها را تهدید می‌کند. هم‌چنین این‌ها عواملی‌اند که ناپایداری و رکود روابط فرهنگی را هم در داخل تمدن‌ها و هم در عرصه بین‌المللی در هم‌گرایی با

دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها دچار مشکل می‌کنند. طبعاً این خطرها نگرانی‌هایی جدی را برای منافع فرهنگی، جدای از منافع سیاسی و اقتصادی، ایران و دولت‌های عربی منطقه و کشورهای هم‌جوار به‌بار خواهد آورد.

در این زمینه پی‌بردن به عمق فاجعه و تهدیداتی که تمدن معنوی اسلامی و جهان را مورد هدف قرار داده است، نظیر آنچه هم‌اکنون در سوریه و عراق در حال جریان است، و درک خطرهایی که از دل این جنبش‌های رادیکالی به‌ظاهر دین‌دار و اصیل فکری نشئت گرفته است و دیر یا زود متوجه همه ملت‌های مسلمان و تمدن‌های آن‌ها می‌شود، ایجاب می‌کند کشورهای که در تیررس این جریان‌ها و خطرهای قرار دارند، که متأسفانه دولت‌های حوزه خلیج فارس بیش از همه در معرض تهدیدند، هم‌گرایی‌ها (integration)، گفت‌وگوها، و همکاری‌هایی بیش‌تر از گذشته برای مقابله با این تهاجمات گاه‌خسونت‌طلبانه و گاه‌پنهانی مخرب داشته باشند.

با این شرح، که اغلب این تهدیدات ماهیت فکری - فرهنگی دارند، و طبق نقشه‌هایی از پیش طراحی شده که به‌صورت فزاینده‌ای به کشورهای و افکار ملت‌های منطقه تزیق می‌شوند، ضرورت می‌یابد که ایران و دولت‌های عربی منطقه برای مقابله با این هجوم فرهنگی تدابیری به‌صورت اتحاد فرهنگی (cultural unity)، تمرکز بر ابزار دیپلماسی فرهنگی، و نقشه‌ای مشترک به‌شکل هوشمندانه و خردمندانه در نظر گیرند؛ هرچند تاکنون الگویی برای همکاری‌های توسعه‌جمعی ارائه نشده است (رهبر و آخوندمهریزی، ۱۳۸۷: ۱۴۳). این تدابیر در حالی است که می‌بایست کشورهای منطقه با استفاده بهینه از سرمایه‌ها و قابلیت‌های غنی فرهنگی - فکری، خواه ملموس یا غیرملموس، از جمله انواع حوزه‌های ادبی، هنری، معماری، رسانه‌ها، و انواع سنت‌های بومی، که به هم‌افزایی فرهنگ‌ها به جای تقابل و نیز کنار گذاشتن خسونت و تعصبات می‌انجامد، بر این‌گونه تهدیدات غلبه کنند. بنابراین برای ایستادگی در برابر این تهدیدات باید به سطح مؤثری از اتحادهای راه‌بردی و همکاری‌های فرهنگی در ظرفیت‌های مشترک به جای تک‌روی دست یافت تا نتیجه‌ای درخور و تأثیرگذار در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و سپس بلندمدت برای امنیت و صلح کشورهای منطقه حاصل شود.

۲.۴ تبیین اشتراکات فرهنگی

بنا به گفته تاریخ‌نگاران تمدن اسلامی از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست تمدن اصیل اسلامی است که «تمدن خلق و نوآوری» نامیده می‌شود و آیین اسلام یگانه منبع آن

است و برای اولین بار جهان آن را تجربه کرد و بخش دوم تمدنی است که مسلمانان در امور تجربی آن را امتداد و توسعه دادند که «تمدن رستاخیز و احیا» نام‌گذاری شده است. این تمدن با این مفهوم جامع میراث مشترک ملت‌های مسلمانی است که زیر پرچم اسلام رشد یافتند و در ساخت آن مشارکت داشتند (التویجری، ۲۰۱۵: ۱۲). حال این دو بخش تمدن اسلامی شامل مواردی از این دست است: تولید و توسعه بخشی از تمدن‌ها و اماکن مقدس مانند حضور بیت‌المقدس قبله‌گاه نخست و کعبه قبله‌گاه دوم مسلمانان؛ رشد معارف علمی، هنری، و ادبی جهان هم‌چنین منابع عظیم انسانی؛ و شکل‌گیری کانون عمده ارتباطات تجاری بین عالم شرق و غرب در منطقه خاورمیانه، مانند جاده ابریشم، که سبب شده است که این منطقه در حکم «بخش مرکزی ناحیه فرهنگی جهان اسلام عمل کند» (رهبر و آخوند مهریزی، ۱۳۸۷: ۱۴۵)؛ اما متأسفانه تاکنون به ظرفیت‌های فرهنگی این منطقه در روابط بین‌الملل اهمیت درخور داده نشده است.

تداوم شکل‌گیری اشتراکات و پیوند مؤلفه‌های فرهنگی میان ایران و کشورهای عربی، در سطح قابل قبولی، با ایجاد تحرکات جدی و برنامه‌دار، اقداماتی است که در روند گفت‌وگوی فرهنگی تمدن ایرانی و عربی - اسلامی برای ایجاد و پایداری آن باید چاره‌اندیشی شود؛ زیرا همانندی‌های فرهنگی مهم‌ترین عامل تحکیم و علقه میان تمدن ایران و تمدن عربی - اسلامی محسوب می‌شود. علت این امر به همانندی‌های تمدنی، حوادث تاریخی یک‌سان، زبان مشترک عربی در برهه‌ای از تاریخ، و دین مشترک اسلام برمی‌گردد. بر این اساس، مطالعه و آشنایی با اشتراکات فرهنگی ضروری است؛ زیرا بخش عظیمی از حوزه‌های علمی، زبانی، فلسفی، دینی، و هنری را با چهره‌هایی ماندگار همانند: ابوحنیفه توحیدی (Abu Hayyan al-Tawhidi)، ابن‌سینا (Abu Ali al-Husayn ibn Sina)، و ابونصر فارابی (Abu Nasr Muhammad al-Farabi) و آثار مکتوب بی‌بدیل در برمی‌گیرد، که از آبخور تفکری هر دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی نشئت گرفته‌اند و در باورها و افکار مردمان هر دو تمدن جا دارند که نمی‌شود آن‌ها را زدود و پرده فراموشی بر آن‌ها کشید؛ بلکه برعکس باید با لحاظ کردن این اشتراکات فرهنگی طرح دوستی و صلح افکند و ملت‌ها را به‌سوی روابط مسالمت‌آمیز هدایت کرد، هم‌چنان که در رمان‌های یگانه چهره برنده نوبل ادبیات عربی، نجیب محفوظ مصری، آثار و نشانه‌هایی از ادب صوفیانه شاعران بزرگ ایرانی مانند حافظ، عطار، و مولوی دیده می‌شود؛ البته با همه قرابت‌ها و اشتراکات فرهنگی، شناخت فرهنگی درخوری میان تمدن ایرانی و عربی - اسلامی نیست و ادراک آن‌ها با توجه به بحران‌های منطقه درخور توجه است. برای مثال در عرصه تأثیرپذیری و

تأثیرگذاری آیین‌ها، رسوم، و اشتراکات زبانی می‌توان گفت جمع‌کنندگی از ایرانیان در جنوب و جنوب غرب کشور با فرهنگ و آداب و رسوم عربی خاص منطقه و به گویشی ویژه در زبان عربی سخن می‌گویند و هم‌چنین جمعیتی از اعراب کشورهای کویت، بحرین، امارات متحده عربی، و عراق با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی زندگی می‌کنند و بعضاً به زبان پارسی سخن می‌گویند (نبهانی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲). در این میان ضرورت گفت‌وگو و ارتقای سطح مناسبات فرهنگی میان ایران، عربستان، و مصر در جایگاه کشورهای قدرتمند در هر یک از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، تاریخی، و فرهنگی خاورمیانه و تأثیرگذار در جهان اسلام ضروری می‌نماید. هم‌چنین، با توجه به گستردگی همانندی‌های فرهنگی و تغذیه از پیشینه قوی، این اندیشه قوت می‌گیرد که برنامه‌ریزی دقیقی برای تعامل، هم‌گرایی فرهنگی، و همکاری‌های منطقه‌ای انجام شود تا دادوستدهای فرهنگی به درجه مطلوب و امیدوارکننده‌ای برای توسعه اعتدال و صلح جهانی واقعی برسد.

۳.۴ نوسازی و ترویج خودباوری فرهنگی

خودباختگی یا خودبیگانگی فرهنگی ملت‌ها، که بیش‌تر از احساس خودکم‌بینی در برابر پیشرفت‌ها و موفقیت‌های سریع ملت‌های دیگر نشئت می‌گیرد، هشدار برای رکود و محو فرهنگ خودی است که برای مقابله با آن باید به تقویت روحیه خودباوری و احیای فرهنگ و ارزش‌های تمدن بومی خویش پرداخت تا به راحتی بتوان با محیط فرهنگی غیر خود هماهنگ شد و کاستی‌های خود را برطرف کرد؛ البته گفتنی است که بخشی از دلایل خودباختگی فرهنگی به تعاملات نامتوازن فکری - فرهنگی بین تمدن‌ها و ملت‌ها مربوط می‌شود؛ «تعاملاتی که به صورت برتر و یا فروتر طرح‌ریزی شده باشد قطعاً مبنای نامناسبی برای گسترش میان فرهنگ‌ها خواهد بود و چنین الگویی وجود سلطه فرهنگی یا برتری بر فرهنگ‌های دیگر را فرض قرار می‌دهد» (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۲۶۵) و بخش دیگر را به تبلیغات دروغین ملت‌ها علیه یک‌دیگر، که سبب خمود فرهنگی می‌شود، باید ارجاع داد.

نظر به سلطه‌گری تمدن غرب و تبلیغات سوء گسترده آمریکا و اسرائیل طی دهه‌های اخیر علیه ایران و دیگر کشورهای عربی منطقه، به‌شکل اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، اطمینان کافی به این کشورها و ملت‌هایشان در عرصه بین‌المللی از دست رفته است؛ بنابراین تشکیل حلقه تعاملی فعال فرهنگی با کارکرد احیای ارزش‌های اصیل با عنوان بیداری اسلامی و برپاداشتن نوزایی تمدن عظیم اسلامی می‌تواند نقش به‌سزایی در پیش‌برد

شناساندن چهره واقعی خود به خویشتن و نیز به جهان داشته باشد و می‌تواند خودباوری فرهنگی و هویتی را احیا کند. هم‌چنین ضروری است که عاملان فرهنگی تمدن ایرانی و عربی - اسلامی تعاملات فرهنگی بین تمدن‌ها و هم‌گرایی و دوستی میان ملت‌ها را افزایش دهند و به قول اقبال لاهوری (Mohammad Eghbal Lahouri) «وظیفه‌ای که مسلمانان امروزه بر دوش دارند، بسیار سنگین است. مسلمانان امروز باید بی‌آن‌که رشته ارتباط خود را با گذشته قطع کنند، از نو در کل دستگاه مسلمانی بیندیشند» (لاهوری، بی‌تا: ۱۱۲)؛ زیرا در صورت درنگ و بی‌توجهی به این وظیفه چه‌بسا تمدن‌ها در بلندمدت دچار بحران هویت فرهنگی شوند. بنابراین اندیشمندان، نخبگان، هنرمندان، سیاست‌مداران، و کسانی که فرهنگ را در جهان اسلام و در میان ملت ایران و کشورهای عربی هدایت می‌کنند، باید ضرورت خودباوری فرهنگی را احساس کنند و در پی تحقق این آرمان باشند.

بر این اساس، تشکیل حلقه گفت‌وگو میان ایران و دولت‌های عربی با اهتمام به ترویج فرهنگ اصیل، بومی، و پتانسیل‌های تاریخی و نوین تمدن ایرانی و عربی - اسلامی؛ پرورش اندیشه‌های استقلالی؛ تلاش مضاعف به‌منظور شناخت آسیب‌ها و نقاط ضعف خویش و تلاش برای برطرف کردن آن‌ها؛ ارتقای وجه خودباوری فرهنگی؛ و حرکت در خط سیر صلح و اعتدال در دنیا و نیز در مسیر هم‌گرایی‌های فرهنگی کشورهای منطقه مانند ایران، عربستان، مصر، امارات متحده عربی، اردن، الجزایر، و تونس ضرورت‌هایی انکارناپذیرند.

۴.۴ توسعه فناوری رسانه‌ها و افزایش ارتباطات فرهنگی

در دهه‌های آخر قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم رشد سریع وسایل رسانه‌ای نوین اینترنتی و ماهواره‌ای، افزایش ارتباطات فراملی میان مردم جهان، مناسبات فرهنگی، شیوه انتقال داده‌ها، و نوع مبادلات هنجارهای فرهنگی را تحت‌الشعاع خود قرار داد و آن‌ها را متحول و شرایط وابسته‌شدن فرهنگ به فناوری ارتباطی را فراهم کرد. در این فضای متغیر ارتباطی فناوری محور، در عین انتقال سریع ارزش‌های فرهنگی از یک سرزمین به سرزمینی دیگر، از فرصت تعریف، شناخت، و توجه به عقاید و فرهنگ ملت‌ها کاسته شده است، که این امر اختلافات فرهنگی، تضادها، چالش‌های فرهنگی، و دگرگونی‌های هویتی فراوانی را سبب شده است و «این امر تنوعات فرهنگی که پاسخ به آن نیز نیازمند شناخت فرهنگ‌هاست» (فرهنگی، ۱۳۹۵: ۱) را به دنبال دارد؛ البته در کنار این موضوع نباید فراموش کرد که امکانات و موقعیت مساوی برای ترویج ارزش‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی

تمدن‌های مختلف (قوی/ ضعیف یا کوچک/ بزرگ) وجود ندارد و فضایی متشکل از هنجارهای خوب و بد فرهنگی بدون یک مدیریت فکری و ناظر اخلاقی پدید خواهد آمد. بدیهی است دولت‌ها برای سازمان‌دهی ارتباط‌های نوین و رسیدن به فضای فرهنگی پویا و به‌دور از سلطه فرهنگی ابرقدرت‌ها باید با استفاده بهینه و مطلوب آن را در خدمت پرورش فرهنگ اصیل خود درآورند.

در این میان، در گسترش همکاری‌های بین‌المللی ایران با دولت‌های عربی، با توجه به ویژگی‌های سریع و کنترل‌نشده فناوری، باید به ترویج و تعمیق بیش از پیش ارزش‌های فرهنگی - اسلامی و فراهم کردن شرایطی به‌منظور گسترش روش‌های کیفی و کمی و نیز دسترسی آسان به هنجارهای معنوی اسلامی و بنیه‌های تمدنی جهان اسلام با همکاری فرهنگی توجه کرد. هم‌چنین تحکیم روابط فرهنگی ملت‌های مسلمان راه مؤثری برای غلبه بر هجمه عمیق فرهنگ‌های غلط بیگانگان است.

۵. فرصت‌ها و امکانات مذاکره فرهنگی (cultural negotiation) تمدن ایرانی و عربی - اسلامی

تحولات ارتباطی فرهنگی در جهان معاصر، خواسته یا ناخواسته، دروازه فرصت‌های گفت‌وگوی تمدنی را به روی ملت‌ها می‌گشاید. در چنین وضعیتی دایره مدار حفظ، پرورش، و افزایش این فرصت‌ها، یک مذاکره گفت‌وگوی فرهنگی گسترده و قدرتمندی به‌منظور ایجاد دیپلماسی عالمانه فرهنگی است. به اعتبار فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف فرهنگی می‌توان از ظهور سطحی از یک پارچگی، وحدت، هم‌گرایی، و صلح در عرصه جهانی سخن گفت. فرصت‌هایی که از میان فرهنگ و تمدن ملت‌های ایرانی و عربی برمی‌خیزد و با داشتن پشتوانه‌های عظیم تاریخی، فکری، و معرفتی قدرت سلطه‌گران جهانی را کاهش می‌دهد. بنابراین به‌نظر می‌رسد، با بازبینی و دقت در ارزش‌های معنوی، ترویج و قدرتمند کردن امکانات و فرصت‌های فرهنگی در سطوح درون‌تمدنی، افزایش همکاری‌های سودمندانه دوطرفه، و حذف محدودیت‌های ارتباطی فرهنگی می‌توان جهان ایران و عرب را به‌سوی موقعیت مساعدتری در توجه‌کردن به گفت‌وگو با حاکمیت اندیشه و فهم به جای خشونت و سلطه ره‌نمون شد.

فرصت‌ها و پتانسیل‌های زیادی در دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی وجود دارد که لازمه عملی کردن آن‌ها نزدیکی و تماس در سطح داشتن مذاکره تمدنی است، از جمله وجوه برجسته همکاری فرهنگی میان این دو تمدن عبارت‌اند از:

۱. توجه به آموزش و ترویج زبان فارسی و عربی در سطح آموزش عالی و مؤسسه‌های آموزش زبان به‌منزله نخستین عنصر بنای قدرتمند پیوندهای دوستی و تفاهم فرهنگی؛
۲. راه‌اندازی کمیته‌های گفت‌وگوی ادیان و مذاهب اسلامی به‌هدف تفاهم مذهبی و تقویت معرفت اعتدال‌گرایانه به‌منظور دست‌یافتن به سازش و صلح فراگیر و درک یک‌دیگر برای زندگی مسالمت‌آمیز؛
۳. اعطای فرصت‌های سریع جهت روایید متقابل به نمایندگان برجسته و تأثیرگذار فرهنگی ایرانی و عربی؛ شامل شخصیت‌ها و چهره‌های برجسته علمی، فرهنگی، فکری، و هنری؛
۴. تشکیل انجمن‌های دوستی ملت‌های ایرانی و عربی به‌صورت مجازی و یا دفاتر نمایندگی فرهنگی در ایران و کشورهای عربی؛
۵. توجه به ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی از جمله افزایش تبادلات علمی و همکاری‌های دانشگاهی، معرفی مؤسسه‌های علمی ایرانی و عربی به یک‌دیگر، فراهم کردن فرصت تحصیل برای علاقه‌مندان، و تبادلات علمی - دانشجویی؛
۶. افزایش سطح تولیدات فرهنگی در زمینه‌های ادبیات، هنر، و موسیقی به‌مثابه گنجینه‌های عظیم فرهنگی و میراث غنی فرهنگ اسلامی؛
۷. غنی‌سازی عرصه ترجمه کتاب‌های علمی، ادبی، فرهنگی، معارف، فلسفه، و ... در برنامه‌های فرهنگی هر دو تمدن به‌منزله دروازه شناخت روحیات ملت‌های ایرانی و عربی از یک‌دیگر و راهی مفید برای اشاعه هر دو فرهنگ؛
۸. فراهم کردن فرصت‌هایی برای جذب سرمایه‌گذاری در عرصه‌های فرهنگی مانند چاپ و نشر کتاب و مجله؛
۹. توجه بیش‌تر رسانه‌های جمعی هر دو تمدن به نشر فرهنگ مشترک ناب اسلامی از طریق تولید و مبادله برنامه‌های فرهنگی هویت‌ساز؛
۱۰. برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های علمی و فرهنگی مشترک به‌منظور بالابردن سطح تفاهم و سازش در جهان؛
۱۱. برگزاری روزهای فرهنگی در ایران و کشورهای عربی؛ مثلاً برگزاری جشنواره ایام نوروز در سرزمین‌های عربی و برگزاری ایام فرهنگی - مذهبی حج در ایران و سایر کشورهای جهان؛
۱۲. جذب سرمایه‌گذاری‌های توریستی و بهبود امکانات و خدمات گردش‌گری بین ملت‌های ایرانی و عربی، درگاهی برای شناخت نزدیک‌تر و بیش‌تر از پیشینه یک‌دیگر؛

۱۳. فراهم کردن زمینه‌های تفاهم فرهنگی در عرصه‌های سینما و تلویزیون از طریق مبادله محصولات رادیویی و تلویزیونی و ساخت برنامه‌های مشترک هم‌چون فیلم سینمایی و تئاتر؛
۱۴. فراهم کردن زمینه‌های مناسب و کافی برای ترویج محصولات فرهنگی مشترک در زمینه سینما و تلویزیون در ایران و سرزمین‌های عربی؛
۱۵. پرورش زمینه‌های توجه به هنرهای دستی و معماری اصیل ایرانی و عربی - اسلامی و نشر آن در جهان به‌منزله یکی از جنبه‌های زیبایی‌شناسی فکری و معنوی ملت‌های ایرانی و عربی، به‌سان ابزار فراگیر توسعه صلح و ایجاد علاقه بین دو تمدن؛
۱۶. برپایی و بازدید از نمایشگاه‌های بومی بین‌المللی منطقه‌ای در ایران و کشورهای عربی، فرصتی عالی برای شناخت هویت‌های فرهنگی یک‌دیگر؛
۱۷. افزایش مناسبات ورزشی با برگزاری مسابقات فرامرزی به‌منظور قدرت‌بخشیدن به اتحاد تمدن ایرانی و عربی - اسلامی؛
۱۸. برگزاری مراسم برای شناساندن چهره‌های مؤثر تاریخ تمدنی از دانشمندان، هنرمندان، فیلسوفان، عالمان، و ... به یک‌دیگر؛
۱۹. تأسیس بنیادهای فرهنگی ایرانی و عربی و تشویق علاقه‌مندان برای حضور در این بنیادها و انجام فعالیت‌های فرهنگی مانند چاپ و انتشار روزنامه و مجله به زبان‌های فارسی و عربی؛
۲۰. استفاده بهینه و گسترده از فناوری ارتباطات و رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای به‌منظور فراهم کردن محیطی برای تعامل فرهنگی صحیح.

۶. شیوه‌های هم‌افزایی و گفت‌وگوی فرهنگی میان ایران و کشورهای عربی

با شناخت ظرفیت‌های بالقوه و مهم‌ترین ابزارها و فرصت‌های مؤثر فرهنگی در دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی باید تدابیری سنجیده پی‌گیری شود تا با نقشه‌های سلطه‌گران غربی و هم‌سو با آنان گروه‌های تکفیری و جریان‌های افراط‌گری با برنامه‌های هدفمند، که بخشی از آنها به‌منظور تخریب نظام فرهنگی در خاورمیانه است، مقابله شود. بنابراین باید با همکاری دولت ایران و حاکمان کشورهای عربی چاره‌ای برای مقابله با نفوذ بیش‌تر این گروه‌ها در منطقه، استحکام روابط دوسویه و همکاری‌جویانه، و افزایش صلح و آرامش و دوستی در نظام جهانی اندیشیده شود و راه‌کارهایی فرهنگی با اثربخشی بالا و سریع آماده شود.

از تأثیرات این راه‌بردها بر جایگاه ایران و کشورهای عربی می‌توان به ذهنیت غلطی که درباره ایران و دول عربی در دنیا شکل گرفته است اشاره کرد؛ زیرا آنچه از جانب دشمنان درباره ایران، دین اسلام، و بیش‌تر کشورهای عربی شکل گرفته تصویری مبتنی بر خشونت‌طلبی و بی‌اعتمادی است و این سیاست‌ها می‌تواند در ازبین‌بردن این ذهنیت و خلق چهره واقعی معتدل و صلح‌طلب از آن‌ها تلاش کند.

در اوضاع کنونی، پس از حل مسئله پرونده هسته‌ای ایران در عرصه بین‌المللی، فضای معتدلی فراهم شده است که در آن می‌توان در جایگاه یکی از کشورهای مطرح تمدن اسلامی درباره گفت‌وگوی فرهنگی - تمدنی و کاربردی کردن هنجارهای عالی اسلامی سخن گفت و قدرت خارجی خود را در چهارچوب شگردهای اصولی و در وضعیتی بدون تشنج ارائه داد. این تدابیر و برنامه‌ها می‌توانند در موارد زیر ترتیب داده شوند:

۱.۶ ایجاد یک گفتمان فرهنگی توسعه‌ای فراملی

در این گفتمان در حوزه فرهنگی مبارزه با فرهنگ امپریالیسم دنبال می‌شود و در حوزه توسعه‌ای تأکید بر پرورش فرهنگ بومی و سپس تبلیغ برون‌مرزی دنبال می‌شود. واژگان کلیدی در توسعه گفتمان فرهنگی عبارت است از: «گفت‌وگوی فرهنگی»، «فرهنگ اسلامی»، «هم‌افزایی فرهنگی»، «تطور فرهنگی»، و امثال آن. در این روش، برنامه‌ها در زمینه فرهنگ در دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی تلاشی برای حفظ و تداوم ارزش‌های صلح‌جویانه و اعتدال‌گرایانه تمدن ایرانی و عربی - اسلامی و نیز صدور این آرمان‌ها و ارزش‌ها به اقصی نقاط جهان است. در این زمینه، سیاست‌گذاری‌های گفتمان فرهنگی در دو بخش داخلی و خارجی از سوی هر دو تمدن ایرانی و عربی - اسلامی دنبال می‌شود.

در سطح ملی نیز باید با تمرکز بر فرهنگ داخلی، تقویت خودباوری فرهنگی، و پذیرش ارزش‌های فرهنگ بومی، در مرحله بعد امکان شناساندن آن‌ها به نظام جهانی به‌مثابه یک مرکز فرهنگی مقتدر مهیا شود؛ زیرا «به‌لحاظ روان‌شناختی این امر شوق فراوانی را در ساکنان جوامع غربی ایجاد می‌کند که خود را به این مرکز حقیقی، که تجسم همه آمال و جهان‌خیالی آرمانی که برای‌شان توصیف شده است، برسانند» (صدیق، ۱۳۸۹: ۲۵). بر همین اساس، ضروری است که سیاست‌گذاری توسعه گفتمان فرهنگی به‌صورت پلکانی ابتدا از درون و سپس در بیرون از مرزها رسوخ یابد.

۲.۶ تعامل مؤثر (interaction affective) با دولت‌های عربی و دعوت به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

جمهوری اسلامی ایران از روزگاران کهن تا به امروز علاوه بر داشتن موقعیت استراتژیکی، پیوسته از توانمندی‌های فرهنگی برتر در مقایسه با دیگر کشورهای دنیا برخوردار بوده است که توانسته در نظام بین‌المللی نیز قدرت تأثیرگذاری بالایی داشته باشد. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ «تأثیرگذاری فرهنگی ایران شکل ایدئولوژیک به خود گرفته است، به‌طوری که در مقطعی توانسته است الگویی مناسب برای بسیاری از حرکت‌های اسلامی از غرب افریقا تا خاورمیانه و آسیای مرکزی باشد» (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۸).

اجرای گفت‌وگوی فرهنگی مستمر میان ایران و کشورهای عربی در راستای نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها به موازات برگزاری نشست‌های فرهنگی ملی و بین‌المللی فرصتی را برای تمدن ایران و تمدن سرزمین‌های عربی فراهم خواهد کرد تا خود را در عرصه جهانی به دیگر ملت‌ها و تمدن‌ها بشناساند و حتی موقعیت عملکرد تمدنی و فرهنگی خود را در دنیا به نقطه صعود برسانند. تعاملات کاربردی تمدن‌های ایرانی و عربی - اسلامی به این معنی است که دولت‌مردان در ارتباط با اصحاب اندیشه، پرورش‌دهندگان فرهنگ، و قدرت‌های فرهنگی به همکاری و دادوستدهای چندجانبه و مشارکت در حوزه‌های مختلف اندیشه‌ای بپردازند. بنابراین راه‌کار فرهنگی سازنده جمهوری اسلامی ایران باید به شیوه‌ای سامان یابد که در کنار ارتباط مؤثر با دولت‌های عربی، بتواند در تعامل با نظام بین‌المللی در رفع چالش‌ها و فراهم کردن امکانات و فرصت‌های اصیل و غنی فرهنگ خودی در جهت توسعه فرهنگی تلاش کند.

۳.۶ تعقیب روش مشارکت‌های فعال منطقه‌ای در قالب برنامه‌های فرهنگی مشترک

از آنجایی که فرایندهای بین‌المللی متناسب با معضلات و نیازهای بین‌المللی پدید می‌آیند و تعمیق می‌یابند، بنابراین بی‌توجهی به روند این فرایندها به فراموش کردن و کم‌اهمیت جلوه دادن منافع ملی در عرصه بین‌المللی منجر می‌شود. در چنین وضعیتی مناسب‌ترین کارکرد همکاری پیوسته در تعیین مسیر این فرایندهاست. از فرایندهایی اساسی که به موقعیت منطقه خاورمیانه مربوط می‌شود، تشکیل سازمان‌های مشترک فرهنگی متشکل از نمایندگان کشورهای این حوزه است که عمدتاً از دولت‌های عربی و فارسی‌زبان‌اند. یکی از معضله‌های اساسی و دیرینه خاورمیانه، که ایران و کشورهای عربی

با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، وقوع جنگ‌های دائمی و ظهور گروه‌های تروریستی و رادیکالیسم فکری مانند گروه القاعده در افغانستان و داعش در سوریه و عراق است. از این رو، بدون همکاری دولت‌های اسلامی منطقه حل این معضل امکان‌پذیر نخواهد بود. بر این اساس، باید گفت که تشکیل سازمان‌های فکری - فرهنگی به‌مثابه یکی از راه‌های برون‌رفت از این معضل با تعمیق مشارکت و همکاری ایران با کشورهای عربی در قالب برنامه‌های فرهنگی مشخص راهی اساسی برای رفع این معضل و سوق‌دادن بیشتر جهان به سوی صلح، امنیت، و اعتدال است.

۴.۶ بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی مؤثر بر هم‌گرایی

اکثر کشورهای خاورمیانه حوزه‌های مشترک و مشابه فکری، فرهنگی، تاریخی، و تمدنی چندهزارساله دارند. این امر سبب می‌شود که تعامل فرهنگی مناسب‌تری با یک‌دیگر داشته باشند و از امکانات، پتانسیل‌ها، و اشتراک‌های فرهنگی یک‌دیگر بیشتر استفاده کنند. تحقق این موضوع مستلزم استفاده از یک برنامه هم‌گرایی و هم‌بستگی فرهنگی مبتنی بر دیپلماسی فرهنگی کنش‌ورزانه به‌منظور ساختن یک منطقه متحد فرهنگی اسلامی در مقابل طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا در جنوب غربی آسیاست. هم‌چنین دولت‌مردان ایرانی و عربی باید بدانند که «کوشش برای گسترش و تقویت حوزه‌های فرهنگی - تمدنی برای واحدهای ملی بیش از هر چیز کوششی برای منافع ملی آن‌هاست» (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۹). از این رو، با تکیه بر قدرت دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در عرصه روابط بین‌الملل در برقراری صلح و وحدت و جهت‌دهی ملت‌ها به سوی تفاهم، میانه‌روی، و هم‌گرایی فرهنگی هم در سطح ملی و هم بین‌المللی می‌توان به نتایج مفیدی دست یافت.

۷. نتیجه‌گیری

آنچه امروزه با نام تمدن اسلامی در جهان مطرح است محصول فکری، فرهنگی، و تمدن ایرانی و عربی - اسلامی انکارناپذیر است که در چند دهه گذشته در خاورمیانه وجوه خاص و فراوان فرهنگی آن از سوی استعمارگران غربی به شیوه‌های گوناگونی در کشورهای اسلامی منطقه مورد هدف تضعیف و محو قرار گرفته است. آنچه در این میان در حکم راه برون‌رفت از این معضل به ایران و دولت‌های عربی به‌منزله یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین

راه‌حل‌ها پیش‌نهاد می‌شود ارائه و پی‌گیری سیاستی بر پایه گفت‌وگوی فرهنگی درون‌تمدنی اسلامی میان ایران و کشورهای عربی است. بنابراین باید:

۱. با توجه به این‌که افزایش تنش‌های سیاسی میان کشورهای خاورمیانه و افزایش حضور نیروهای غربی با سیاست‌های جنگ‌افروزان و مسخ‌کننده فرهنگی و ظهور هر چند سائله گروه‌های تروریستی با نام‌های مختلف در این منطقه تهدیدی جدی و انکارناپذیر برای فرهنگ و تمدن اسلامی کشورهای منطقه به‌شمار می‌آید، بنابراین هر روز نیاز به گفت‌وگو و هم‌افزایی فرهنگی میان کشورهای منطقه بیش‌تر احساس می‌شود؛

۲. در دورانی که غرب در مقابل پیش‌رفت‌های مشرق‌زمین ایستاده است، بازآفرینی و افزایش روابط فرهنگی از طریق دیپلماسی گفت‌وگوی تمدن فرهنگی میان کشورهای بزرگ و مطرح تمدن اسلامی هم‌چون ایران، عربستان، و مصر برای حل مشکلات و مسائل فرهنگی امروزین انسان مسلمان راه‌کار خوبی جلوه می‌کند. بنابراین تبیین اشتراکات فرهنگی، ترویج خودباروی فرهنگی، و توسعه فناوری رسانه‌ها همگی از جمله فرصت‌های مذاکره فرهنگی ایرانی و عربی - اسلامی به‌شمار می‌آیند؛

۳. از دستاوردهای این پژوهش در زمینه شناخت تهدیدات فرهنگی، که به‌منزله سیاست‌های کاربردی می‌توانند بهره‌برداری شوند، باید به ایجاد گفتمان فرهنگی توسعه‌ای فراملی اشاره کرد. در این سیاست با اتخاذ یک تعامل فرهنگی معتدل میان ایران و کشورهای عربی زمینه‌های دعوت به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم می‌شود، که بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی با محورهای بی‌شماری که دارد از بی‌بدیل‌ترین راه‌های تعامل است.

منابع

- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۵). *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- اقبال، جاوید (۱۳۷۶). «سیدجمال‌الدین و نهضت اتحاد کشورهای اسلامی»، *فصل‌نامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، س ۶، ش ۲۳-۲۴.
- ایزدی، جهانبخش و فرزاد خلفی (۱۳۹۰). «راهبردهای تحقق تعامل مؤثر و سازنده ایران در نظام بین‌الملل (برپایه سند چشم‌انداز)»، *فصل‌نامه رهنامه سیاست‌گذاری*، س ۲، ش ۳.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- التویجری، عبدالعزیز بن عثمان (۲۰۰۹). *الدبلوماسية الإسلامية في خدمة الحوار والسلام*، منشورات المنظمة الإسلامية للتربية و العلوم و الثقافة، إيسيسكو.

- التويجرى، عبدالعزيز بن عثمان (۲۰۱۵)، *خصائص الحضارة الإسلامية و آفاق المستقبل*، منشورات المنظمة الإسلامية للتربية و العلوم و الثقافة، إيسيسكو.
- جمشیدیها، غلامرضا (۱۳۸۷). «تمدن اسلامی»، *فصل‌نامه تاریخ اسلام*، س ۹، شماره مسلسل ۳۳-۳۴.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۰). «جهانی‌شدن؛ فرصت یا تهدید»، *روزنامه جام‌جم*، س ۲، ش ۴۵۹، یکشنبه ۱۱ آذرماه.
- رضوی‌راد، محمد (۱۳۸۲). «تضاد یا تعاطی فرهنگ‌ها»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها از منظر جوانان*.
- رهر، عباس علی و مسعود آخوند مهریزی (۱۳۸۷)، «پتانسیل‌های فرهنگی مؤثر بر هم‌گرایی در منطقه آسیای جنوب غربی»، *مجله راه‌برد یاس*، ش ۱۶.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و قاسم زائری (۱۳۸۹). «بررسی گفتمان‌های فرهنگی پس‌انقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی»، *پژوهش‌نامه سیاست فرهنگی*، ش ۵۴.
- طاهری‌نیا، علی‌باقر (۱۳۸۲). «نقش شاعران ایرانی عربی‌سرا در گفت‌وگوی میان تمدن‌های ایران و عرب»، *مجله علوم انسانی*، دوره دهم، ش ۳-۴.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹). «دوجانبی‌شدن‌ها و ارتباطات بین تمدنی: تحلیل روشمند ارتباط فرهنگی در جهان»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۹.
- علی‌پور، عباس، علی بختیارپور، و محمد درخور (۱۳۸۹). «ضرورت‌های بسط ژئوپولیتیکی ایران در خاورمیانه عربی با تأکید بر تحولات اخیر»، *فصل‌نامه آفاق امنیت*، س ۳، ش ۹.
- فاطمی‌نژاد، سیداحمد (۱۳۹۴). فرهنگ و رویه سازگاری جویی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مقایسه متن‌پژوهانه دوره‌های جنگ و اصلاحات)، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، س ۱۰، ش ۳.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «ارتباطات فرهنگی و الگوی پیش‌رفت»، *خبرنامه الگوی اسلامی ایرانی پیش‌رفت*، ش ۱.
- کبریائی‌زاده، حسین (۱۳۹۱). «بایدها و ضرورت‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در فلسطین»، *مجله مطالعات فلسطین*، ش ۱۷.
- لاهوری، اقبال (بی‌تا). *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: رسالت قلم.
- ماسینیون، لویی (۱۳۹۲). «نقش فرهنگ ایرانی در شکوفایی تمدن عرب»، *مجله بخارا*، س ۱۵، ش ۹۴.
- مسجدجامعی، احمد (۱۳۸۱). «درباره سیاست گفت‌وگوی فرهنگی»، *مجله نامه فرهنگ*، ش ۴۳.
- مفتخری، حسین (۱۳۹۲). «ایران و اسلام؛ هویت ایرانی، میراث اسلامی»، *دوفصل‌نامه جستارهای تاریخی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۴، ش ۲.
- نبهانی‌زاده، جلال (۱۳۹۳). «فرهنگ و اقتصاد در آینه روابط ملل اسلامی»، *روزنامه جام‌جم*، چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت، کدخبر ۱۴۷۴۵۸۶۹۰۶۸۸۷۹۳۵۲۴۵.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷). «راه‌برد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

هاشمی، محمدحسین (۱۳۷۸). «گفت‌وگو و هم‌زیستی فرهنگی در خلیج فارس»، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

Fukushima, Kiki (2011). "Peace and Culture: Fostering Peace through Cultural Contributions", *Joint Research Institute for International Peace and Culture*, Aoyama Gakuin University.

Searle, John (1999). *Mind, Language and Society, the Construction of Social Reality*, London: Phoenix.

Yarshater, Ehsan (1999). "The Persian Presence in the Islamic World", Richard G Hovannisian and Georges Sabagh (eds.), in *The Persian Presence in the Islamic World*, New York: Cambridge University Press.